



به بهانه نمایش «موسی کلیم‌الله» در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر

موسای ابراهیم علیه وارثان بنی‌اسرائیل

بنی‌اندازند با سر بریدن خروس‌ها سد راه طلوع صبح خواهند شد؛ زهی خیال باطل! «موسی کلیم‌الله» با اینکه به قصه‌ای مربوط به بیش از سه هزار سال قبل پرداخته اما کاملاً بروز است. یکی از خلاقیت‌های صورت گرفته در تنظیم محتوای «موسی کلیم‌الله» این است که با وجود پرداختن به پیامبر بنی اسرائیل، اما درواقع فیلمی علیه وارثان این قوم خبیث و زرسالار است. نسلی کشکلی جاری در فیلم و دستوروی بی‌دربی رامسس دوم برای کشتن بچه‌ها، کودک‌کشی سهیونیست‌ها را یادآوری می‌کند. به روایت فیلم، اسرائیلیان درواقع دنباله فرعونیان هستند و امروز همان خوی رامسس دوم در سر سران یهود قرار دارد.

در مجموع، ابراهیم حاتمی‌کیا در ۶۳ سالگی و در بیست و یکمین فیلم سینمایی‌اش یک تجربه جدید و امیدبخش را در حوزه خلق فیلم تاریخی- مذهبی رقم زده است و باید این افتخار و طلوع تازه را به سینمای ایران تبریک گفت.



برگزارکنندگان این جشنواره با منتقدین و نظرات عمومی اشاره کرد. به نظر می‌رسد که برخی از فیلم‌های راه یافته به جشنواره در سطح کیفی پائین و نسبت به فضای فرهنگی و مذهبی حاکم بر جامعه بی‌توجهی کرده‌اند، این خود نشانه‌ای از بی‌احترامی به ارزش‌های اجتماعی و دغدغه‌های مردمی محسوب می‌شود.

از سوی دیگر، جشنواره فیلم فجر می‌توانست به‌عنوان یک پایگاه اجتماعی، نقدها و پرسش‌های جدی را در مورد آینده سینما و نقش آن در جامعه اسلامی مطرح کند. فرصت‌هایی که به‌راحتی از دست می‌روند و ما نمی‌توانیم در روند اصلاح و بهبود استفاده کنیم. این نیاز به توجه و عزم جدی در سطح کلان همراه با مسئولیت‌پذیری است. در واقع، معتبر و باکیفیت احساس می‌شود. در نهایت، همه ما امیدواریم که سینما به‌عنوان یک پدیده فرهنگی، بار دیگر به حریم عشق، وحدت و شناخت میان مردم و فرهنگ سرزمین‌مان برود. جشنواره فیلم فجر می‌تواند و باید در این جهت گام بردارد، چراکه در غیر این صورت، به‌زودی فقط خاطراتی از شکوه و عظمت خود باقی خواهد گذاشت، بی‌آنکه اثر و کارکردی برای مردم و فرهنگ داشته باشد.

هالیوود می‌گوید: کفگیر سینمایی هالیوود به تیره دیگ خورده و سینماگران هالیوود چشم به گنجینه‌های شرق دوخته اند. و چه سنت‌نیکویی بود برای این انجمن خادمان قرآن توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که سبب گشته تا هر ساله در ماه مبارک نزول قرآن، با انتخاب و معرفی سربازی از جنودالله؛ نور افشانی مشکات قرآن روز بروز پرفروز تر گردد و فرقاینتی قرآن محقق شود که فرموده اند:

هَذَا كَاتِبًا بِنَقْلِ عَلِيمِكَ بِالْحَقِّ كَاشٍ رُوِيَ رَسَدَ كَهْ وَزَارَتْ فَرْهَنَگَ وَ ارشاد اسلامی، ضمن بگرایی اندیشه ها و تجارب و ظرفیت های فرهنگی - قرآنی خادمین قرآن در جای جای ارکان فرهنگی کشور؛ با ساخت بزرگترین کمپانی فیلم سازی قرآنی جهان و فراهم کردن امکاناتی هم وزن و اندازه کمپانی های جهانی، خادمین قرآن را به پیشرفته ترین تجهیزات مجهز کند تا روزی که ان‌شالله همه علمایان شاهد تحقق وعده حتمی حضرت احدیت اعلاء، صاحب اصلی قرآن باشند که فرمودند: بُرِئِمْوَنَ لِيُطْفِئُوا نَوْرَ اللّٰهِ بِالْقُرْآنِ وَاللّٰهُ شَهِمٌ نَّوْرَهُ وَنُوْرُ كَرَّةِ الْكَافِرُوْنَ

گفتنی است که طی سی سال گذشته وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با بررسی های فنی و کارشناسی رسیده به انتخاب و معرفی سینماگران خادم قرآن کریم مبادرت ورزیده است. سینماگرانی که در سه دهه گذشته مخفتر شده اند تا خادم قرآن لقب گیرند عبارتند از: مجید مجیدی، رضا برزگریمی، شهریار بحرانی، محمدری راعی، کمال تبریزی، منوچهر محمدی، محمد داوودی، محمد علی باشه آهنگر، سید ناصر هاشم زاده، سید داوود میرباقری، امیرعباس قلیچ لور، جمال شورجه، عبدالحمید قدیریان، داریوش پارس و جعفر دهقان.

«شسیار ۱۴۳» باز هم از پس ایفای نقش یک مادر و دغدغه‌های مادرانه بر آمده است. به نظر می‌رسد که او یکی از نامزدهای سیمرغ بهترین بازیگر زن در چهل و سومین جشنواره فیلم فجر خواهد بود. همچنین شکیب شجره با این فیلم، یک تجربه جذاب در بازیگری را به ثمر رسانده است. شجره را بیشتر در نقش‌های کم‌دی دیده بودیم اما این بار در نقش یک فرمانده نظامی خشمگین و جدی، بازی‌اش در آمده است.

در این فیلم «موسی کلیم‌الله» فقط به قالب

تکنولوژیک و نتیجه چشم نواز و فاخرش، روایت دراماتیزه و بازی‌ها زیبایش محدود نیست، این اثر در گفتمان و محتوا هم حرف‌های تازه‌ای برای گفتن دارد.

در این فیلم موسی استعاره‌ای از یک منجی است که فرعونیان هر چه می‌کنند تا متولد نشود، با اراده الهی بالاخره ظهور خواهد کرد.

دست و پا زدن شروران برای ممانعت از ولادت

منجی، همچون تلاش بیپوده کسانی است که

پیامبر، فیلم «موسی کلیم‌الله» کشش نداشته باشد، اما واقعیت این است که روایت حاتمی کیا از این قصه، هم به‌واسطه جلوه‌های ویژه و تکنولوژی‌کشش و هم فرم دراماتیک کار که سبب جرات توام با خلاقیت در تولید آثار تاریخی- مذهبی است. فناوری بروز و جدید تولیدآثار سینمایی و تلویزیونی که با این فیلم-سریال، هم مانند سریال یوسف پیامبر، از درونمایه‌ای هم‌اثرالمانی و مماس با شرایط امروزین برخوردار است و به تقابل ازلی و ابدی خیر و شر/ حق و باطل می‌پردازد.

به نظر ما فیلم «موسی کلم‌الله» بیش از

همه، روح مرحوم فرج الله سلحشور شاد است

که میراثش به نتیجه رسیده؛ فیلمنامه‌ای که

سال‌ها پای آن ایستاد و او پس نکشید، به

اهلش رسید. این فیلم حاصل یک تیم برنده

است؛ تیمی که توسط سلحشور کلید زده شد

و بعد از فوت او، جانشینش جمال شورجه کار

را پی گرفت و گویی قسمت بود با کسالت آقای

سینمایی کثور محسوب می‌شد، اکنون به یک

گردهمایی بی‌روح تبدیل شده است؟

در این سال‌ها، با توجه به عدم سیاستگذاری

اصولی، جایگاه جشنواره کمرنگ‌تر شده و از اهداف

خودش دورافتاده است.به گونه ای که کارکرد

خود را در تقویم ارکان سال جدید سینمایی از

دست داده است. این روزها، با برگزاری چهل و

سومین دوره این رویداد، به وضوح شاهد تلاطم‌ها

و چالش‌هایی هستیم که می‌توانستند فرصتی برای

مطالبه‌گری و اصلاح وضع موجود باشند. البته،

متأسفانه برخی بی‌احترامی‌ها و هنجار شکنی‌ها

در چنین شرایطی، حاکی از ضرورت بازنگری در

مسئولیت‌ها و اصول محوری انقلاب اسلامی است.

حوزه سیاستگذاری فرهنگی می‌توانست فرصتی

برای یکی از مهم ترین مطالبه‌گری در جشنواره

امسال باشد تا اینکه گفتگفته جشنواره بیست و

به بهانه برگزاری چهل و سومین دوره جشنواره فیلم فجر

نیاز جشنواره فیلم فجر به عمل جراحی

با بهصدا درآمدن زنگ بیست و سومین دوره‌این جشنواره با آثاری که تحت سیاست‌های دوره مدیریتی محمد خزاعی در سازمان سینمایی فجر شکل گرفت. سناریویی که بنظر می‌رسد جرقه‌ای برای تغییر مسیر سینمای ایران از ریل انقلاب اسلامی باشد. آن زمان که در مراسم افتتاحیه دست دادن رضا بابک و مرضیه برومند به همراه استفاده از الفاظی که صراحتاً چاقوی تیزی بر پیکره نیجف جشنواره فیلم فجر جلوی دوربین‌های پخش زنده تلویزیون عادی‌سازی شد، همه نشانه اراده‌ای برای شروع مسیری جدید برای مقابله با سینمای نجیب مورد تأیید جمهوری اسلامی ایران در دوران مدیریتی جدید است.

سوم با قبح‌شکنی، بی‌حرمتی و به سخره‌گرفتن هنجارهای اسلامی در شروع سرد و بی‌روح زجرگ‌ترین رویداد فرهنگی کشور در آستانه دهه فجر شکل گرفت. سناریویی که بنظر می‌رسد

چهل و سه سال است که این جشنواره برگزار می‌شود و در هر دوره به بررسی و ارزیابی جدیدترین تولیدات سینمای می‌پردازد. فرصتی برای کارگردانان تا در برابر نقد و تحلیل‌های کارشناسان، نقاط قوت و ضعف آثار خود را بشناسند و به اصلاح نهایی بپردازند. اما آیا این جشنواره، که روزگاری درخشان‌ترین مراسم

باعث شدد حیات جدیدی به سینمای ایران بازگردد. سینما به یک ابزار فرهنگی و تربیتی تبدیل شد و مردمی که به خاطر زخ‌های گذشته از سینما دور شده بودند، دوباره جمع آن شدند.جشنواره فیلم فجر، نماد این بازگشت و شکوفایی است.

پنجمین مجمع عمومی انجمن خادمان قرآن کریم جمهوری اسلامی ایران در تاریخ ۱۲ و ۱۳ بهمن ماه و مقابن با برگزاری چهل و یکمین دوره مسابقات بین‌المللی حفظ و قرائت قرآن کریم در مشهد مقدس و درجوار منضج نورانی حضرت علی ابن موسی

بسم الله الرحمن الرحيم
بر پهنة سبز رنگ آسمان ايمان اديان الهی، روزگاری گذشت که در آن، در پاسخ به «من انصاری الی الله» عیسی بن مریم (ع)، حوارین بر صلیب خونین ابلسیسان زمان گفتند «نحن انصارالله» و مرگ در راه الله را پذیرفتند و در

بیانیه مجمع خادمان قرآن کریم به مناسبت جشنواره فجر

یادآوری نیاز به کمپانی فیلمسازی قرآنی

زمانی دیگر نیز مردانی پاک سرشت از امت و تبار احمد(ص)، ندای سرخ «هل من ناصر ینصرنی» ثارالله را شنیده، جان را سیر تیغ های آهنین یزیدیان کرده فریاد لبیک با حسین شان، شور حسینی را در جهان جاودانه ساخت . اینک اما در روزگار مسا! این‌بار ابلسیسان با لباس هنر و سلاح فرهنگ به میدان نبرد اندیشه ها و باورها آمده اند تا پرچم کفر و شرک را در فضای پر از شک و شبهه امید و ایمان، به اهتزاز درآورند و قرآن را به آتش کینه و حسد ابلیس بسوزانند تا ابروهای ساحری را جایگزین آیات قرآن نمایند. و این ندای مظلومیت قرآن است که طنین یاری‌خواهی‌اش پرده گوش الله‌پرستان را به ارشاد می‌آورد:

آیا هستی در قرآن را باری کنده؟ ۱۵ قرن از بعثت آخرین پیام آور آفریدگار عالم می‌گذرد و حضرت محمد(ص)، به تائیکیات اندیشمندان و متفکران در خصوص تاثیر فیلم و سینما به عنوان هنری بی نظیر و بی رعیب، حاصل جمع بندی سینماگران خادم قرآن را چنین برشمرد:

نگاهی به فیلم «ترک عمیق»

پیرمرگ هنر است

علی امیرسیافی

«ترک‌عمیق» مشابه اکثر آثار اجتماعی سینمای ایران (در قالب فیلم‌های آپارتمانی)، متنی استوار را در خود نمی‌بیند. روایت یک‌خطی، بدون حتی یک انفجار دراماتیک (تا پایان بندی) ریتم فیلم را کند کرده و تماشای آن را برای مخاطب آزردهنده جلوه می‌دهد. در این میان تنها بازی رضا بابک (در نقش محمود) تماشاگر را همراه خود پیش می‌برد و جلوی سقوط کامل فیلم را می‌گیرد.

فیلم آرمان زرین کوب اما، از منظر شخصیت‌پردازی- با فاکتور گرفتن کاراکتر محمود از این میان- دچار ضعف‌های عمده است. برای نمونه نگاه کنید به کاراکتر علی (پلیس). این حجم از حماقت برای یک پلیس به هیچ عنوان قابل باور نیست! دست و پا چلفت بودن او هنگامی که در داخل اتاق زندانی شده است را نگاه کنید. آیا به واقع یک پلیس با چنین قامتی، از پس یک پیرمرد ضعیف هشتاد و چند ساله بر نمی‌آید؟! او حتی یک بسیم هم همراه خود ندارد! ما که چنین چیزی را تا به حال ندیده بودیم!

همکار او، محسن، چه کاربردی در داستان دارد؟ تیز خوردن و مردن تصنعی او چه دردی را دوا می‌کند؟ می‌خواهد نشان دهد که محمود چقدر ظالم بوده و جنون او تا چه میزان است؟ با نگاه به ساختار فیلم، به هیچ‌وجه چنین احساسی برداشت نمی‌گردد. پس بود و نبود او فرقی ندارد.

از سوی دیگر کاراکتر فخری (کلچره سجادیه) و رابطه متزلزل و خشونت‌آمیز او با همسرش به گونه‌ای هدایت می‌شود که تا لحظه برملا شدن راز اصلی داستان، مخاطب سیمایی شدیدی نسبت به محمود پیدا کرده است و گویا اعمال گذشته بدمن داستان دیگر برای مخاطب باورپذیر نیست.

پسان نوش دارو بعد از مرگ سهراب، دیگر

فرقی به حالمان نمی‌کند که بدنام محمود

در گذشته به چه میزان مرد آلوده و گناه‌کاری بوده است.

اما این ایراد بازمی‌گردد به نحوه ساختاربندی فیلم‌نامه. همان‌طور که گفته شده، انفجار داستان در

انتهای پرده دوم و همزمان با نقطه‌عطف دوم (شلیک پیرمرد) جای گذاری شده است. چنین روندی تا

این نقطه، کند، بکنواخت و بی‌روح پیش می‌رود. همچنین تمایزی میان برده اول و دوم داستان احساس

نی‌شود و چنین چینی‌اش از سوی نگارنده متن، تنها یک مقوله را برآیمان شفاف می‌کند و آن هم همان

نبود ایده‌های خلاقانه برای بسط دادن داستان یک‌خطی فیلم است. چیزی که اکثر فیلم‌های آپارتمانی

در سینمای ایران از آن رنج می‌برند.

«ترک‌عمیق» اما از منظر پرداخت به کاراکتر خود (محمود) که دارای اختلال روحیست خوب عمل

می‌کند. لوکیشن خانه با فضاسازی نوستالژیک و قدیمی خود، تماماً در اختیار اوست تا در آنجا روحيات

شکست‌خورده و دارای ضعف خود را به نمایش بگذارد. طراح لباس در این زمینه هوشمندانه عمل می‌کند.

نگاه کنيد به تيب محمود با آن کراوات نیمه‌باز و لباس چروک‌شده‌اش. شمایل یک مرد قمارباز و عرق‌خور

در این لباس نمایان است.

موسیقی متن نیز در ابتدا یک حالت رویاپردازانه را خلق کرده و سپس در ادامه به‌نگام نیاز، با تغییر

سبک و افزایش ریتم و تمپو، احساس تنش و ترس را القاء می‌کند.

پایان‌بندی اما، به سبک آثار اصغر فرهادی (در اینجا، فروشنده) مشخص نمی‌شود که پیرمرد با آن

دختر نوجوان چه کار کرده است؟ تجاوز؟ قتل؟ معلوم نیست! اگرچه طفره رفتن فیلم‌ساز برای بازگو کردن

این مورد نشان از عدم توجه او به این موضوع را دارد اما این سؤال را در ذهن مخاطب باقی گذاشته و

چنین سؤال بی‌پاسخی ترک‌عمیق را در دسته همان فیلم‌های اجتماعی و به اصطلاح درامی قرار می‌دهد

که ایده یک‌خطی خود را ناشیانه در پیرنگ فیلم بلند قرار می‌دهند. درحالی که با ساخت یک فیلم کوتاه،

ماجرای قابل حل شدن بود!

مخالفیم». این جمله چنان وزنی به خود گرفت

نگاهی به فیلم پیشمرگ

تصویر زیبای شهیدکی که آرزو داشت گمنام باشد

مرضیه کرماجانی

فیلم سینمایی «پیشمرگ» به کارگردانی علی غفاری، یکی از آثار برجسته جشنواره فیلم فجر امسال است که به زندگی شهید سعید قهاری، یکی از فرماندهان بزرگ دوران دفاع مقدس، می‌پردازد. این فیلم در ژانر دفاع مقدس ساخته شده که هم داستانی از دوران جنگ تحمیلی، هم نگاهی به زندگی بعد از جنگ این شهید عزیز دارد. از ویژگی‌های بارز این اثر، پرداختن به شخصیت شهید قهاری است که تا حد زیادی گمنام مانده و برشی از زندگی او را از دوران پس از جنگ روایت می‌کند.

فیلم «پیشمرگ» در شهرهای مختلف ایران فیلمبرداری شده است، که این نکته به جذابیت و تنوع تصویری فیلم افزوده شده. بازیگران اصلی فیلم، همچون مهدی نصرتی و الناز ملک، نقش‌های خود را به‌خوبی ایفا کرده‌اند. انتخاب مهدی نصرتی برای ایفای نقش شهید قهاری که ویژگی‌های جسمانی و روحی خاصی نیاز داشت، یکی از نقاط قوت فیلم محسوب می‌شود. نصرتی توانسته است تا حد زیادی شخصیت شهید قهاری را زنده کند و احساسات عمیق او را به تصویر بکشد.

علاوه بر بازیگری، کارگردانی علی غفاری در این فیلم تاثیر زیادی در شکل‌گیری فضای دراماتیک و واقع‌گرایانه اثر داشته است. غفاری با تکیه بر فیلمنامه‌ای دقیق و تحقیقاتی میدانی، موفق به ایجاد یک اثر هنری و ملی شده که مخاطب را به ندای جنگ و فداکاری‌های ناشناخته می‌برد. یکی از نکات جالب در مورد شهید قهاری، وصیت او به دفن شدن در میان شهدای گمنام بود که در فیلم به آن اشاره شده و عمق شخصیت او را به نمایش می‌گذارد. همچنین، فیلم «پیشمرگ» با چالش‌های زیادی در تولید مواجه بوده است. شرایط خاص امنیتی و نیاز به هماهنگی برای فیلمبرداری صحنه‌های جنگی از جمله این چالش‌ها بود که تیم تولید با تلاش فراوان آنها را پشت سر گذاشت. این مشکلات باعث شد تا فیلمبرداری در برخی مواقع به‌طور موقت متوقف شود، اما این مسائل نتوانست مانع از شکل‌گیری یک اثر برجسته شود.

در نهایت، «پیشمرگ» یک فیلم دفاع مقدسی است که علاوه بر پرداختن به وقایع تاریخی، به ابعاد انسانی و شخصیتی یک فرمان گمنام توجه دارد. این فیلم هم در جشنواره فجر و هم در بین مخاطبان، به‌عنوان یک اثر ماندگار در ژانر دفاع مقدس شناخته خواهد شد.

کشفندهٔ لیکمی مبارک

مهدی متولیان

«سفند» یک فیلم صمیمانه و صادقانه است. دنبال شاخ غول شکستن نیست و اصلاً خیال ندارد قدرت کارگردانی را به رخ بکشد. فیلم‌ساز به جذب‌های دراماتیک مختص سوزناش انکا دارد و دیگر هیچ نیازی به جذب‌های متعارف سینما پیدا نکرده. جشنواره‌پردازی‌ها هم قابل قبول از آب درآمد.

فیلم در نیمه اول از نفس می‌افتد شاید می‌تواند کوتاه‌تر بشود. اما بعد از نیمه، باز جان می‌گیرد و تا آخر در اوج به پایان می‌رسد. پایان‌بندی هم ساده و مختصر است و روده‌درازی ندارد؛ با آن نمای تصویر امام که دل امثال مرا برد. سینمای ایران برای عشق‌های دودھری دختر و پسر، و حماسه‌سرایان قهاری داشته و دارد. ما وقت روایت عاشقانه‌های بین امام و رزمندگان گنگ و الکن می‌شود؛ گرچه به نظر حرجی بر این سینما نیست. مطلب بزرگ است و هر کسی از عهدش برنمی‌آید. اما به هر حال دانش اقباشلوی در «سفند» تا اندازه‌ای توانسته به این توجه کند و البته به دام شعارزدگی هم نیفتاده. در کل فیلم در جاهایی شعار هم می‌دهد، اما چندان گل‌درشت نیست و از بافتار کلی فیلم بی‌نفع‌نمزد. البته بازی شخصیت اصلی قابل‌کننده نبود، اما انگار با ساختار ساده فیلم تناسب داشت. مرا یاد فیلم به کیودی یاس و بازی گر نقش شهید برونسی انداخت... که البته این از آن خیلی جلوتر است.